

## درس چهارم: مریم مقدس مادر خداوندمان

### قسمت دوم

- (۴) بکارت ابدی مریم عذرا (همیشه باکره)
- (۵) پاسخ به نظرات مخالف
- الف) فراز «نخست زاده»
- ب) فراز «زن خویش»
- ج) «قبل از آنکه با هم آیند، او را حامله یافتند»
- د) «تا پسر نخستین خود را نزایید، او را نشناخت»
- ه) فراز «برادران او»

### بکارت ابدی مریم عذرا (همیشه باکره)

بکارت ابدی مریم عذرا (همیشه باکره)، موضوعی قدیمی است که بین پدران کلیسای قرون دوم، سوم، چهارم و پنجم مورد بحث قرار گرفت. در سال ۱۹۶۲، مباحثه‌ای را که در سال ۳۸۳ توسط جروم قدیس نوشته شده بود ترجمه کردیم. در این مباحثه او از بکارت ابدی مریم عذرا (همیشه باکره) در برابر تعالیم غلط شخصی به نام هلویدیوس (Helvidius) دفاع کرد. پروتستانها عقاید خود در رابطه با این موضوع را از هلویدیوس برگرفته‌اند.

### خلاصه نظراتی که علیه بکارت ابدی مریم عذرا (همیشه باکره) بیان می‌شود

- (۱) فراز «نخست زاده خود» (لوقا ۲: ۷؛ متی ۱: ۲۵). مخالفین چنین می‌اندیشند که کلمه «نخست زاده» (First Born) به معنی نخستین در میان خواهران و برادرانش است.
- (۲) فراز «زن خویش» که به یوسف گفته شد (متی ۱: ۲۰)، و در کل کلمه «زن» که به مریم عذرا (همیشه باکره) اطلاق می‌شود.
- (۳) جملاتی نظیر: «و تا پسر نخستین خود را نزایید، او را نشناخت» (متی ۱: ۲۵) و «قبل از آنکه با هم آیند، او را از روح القدس حامله یافتند». (متی ۱: ۱۸)
- (۴) آیاتی که در آن به «برادران او» اشاره شده است مانند متی ۱۲: ۴۶؛ ۱۳: ۵۴-۵۶؛ اعمال ۱: ۱۴؛ غلاطیان ۱: ۱۹، ۱۸.

ما با هدایت خدا، به تمام این اعتراضات پاسخ می‌گوییم.

### فراز «نخست‌زاده خود»

کتاب مقدس به وضوح معنای کلمه نخست‌زاده را بیان می‌دارد. پیش از استقرار کهنات هارونی، وحی الهی فرمود: «هر نخست‌زاده‌ای را که رحم را بگشاید، در میان بنی‌اسرائیل، خواه از انسان خواه از بهایم، تقدیس نما؛ او از آن من است». (خروج ۱۳: ۲)

هر نخست‌زاده‌ای که رحم می‌گشود، تقدیس و وقف خدا می‌شد، سوای اینکه بعداً فرزند دیگری زاده شود یا نه. والدین تا زمان تولد پسر بعدی صبر نمی‌کردند و صاحبان بهایم نیز تا زمان زایش بعدی منتظر نمی‌ماندند!

بلکه در زمان تولد نخست‌زاده تقدیس‌اش می‌کردند زیرا او نخستینی بود که رحم را می‌گشود. پس امکانش زیاد بود که نخست‌زاده، یگانه پسر نیز باشد.

مسیح خداوند نیز، نخست‌زاده و یگانه پسر بود. قدیس جروم به حق گفت که: «هر پسر یگانه‌ای یک نخست‌زاده است اما هر نخست‌زاده‌ای یگانه پسر نیست». عبارت «نخست‌زاده» بدین معنا نیست که پسری پس از او به دنیا خواهد آمد بلکه به این معناست که هیچ پسری قبل از او به دنیا نیامده است.

به همین دلیل بود که حیوانات یک ماهه ناپاک می‌توانستند فدیّه داده‌شوند (اعداد ۱۸: ۱۶، ۱۷) و نخست‌زادگان حیوانات پاک باید به عنوان قربانی به خدا تقدیم می‌شدند، بدون اینکه برای تولد فرزند بعدی منتظر بمانند. آن نخست‌زاده است، چه فرزندی پس از آن متولد شود یا نه.

به همین سان، مسیح خداوند نخست‌زاده مریم عذرا (همیشه باکره) است. به همین خاطر وقتی مریم عذرا (همیشه باکره) و یوسف او را پس از چهل روز تقدیم نمودند، کتاب مقدس می‌گوید: «و چون ایام تطهیر ایشان برحسب شریعت موسی رسید، او را به اورشلیم بردند تا به خداوند بگذرانند. چنانکه در شریعت خداوند مکتوب است که هر ذکوری که رحم را گشاید، مقدس خداوند خوانده شود. و تا قربانی گذرانند، چنانکه در شریعت خداوند مقرر است، یعنی جفت فاخته‌ای یا دو جوجه کبوتر». (لوقا ۲: ۲۲-۲۴)

واضح است که شریعت مربوط به نخست‌زاده، چهل روز پس از تولد، بر مسیح خداوند نیز اعمال شده است و طبیعتاً هیچ ارتباطی میان نخست‌زادگی و تولد پسران دیگر پس از او وجود ندارد.

در اینجا قدیس جروم می‌پرسد: «آن هنگام که خدا تمام نخست‌زادگان مصر را زد (خروج ۱۲: ۲۹) ، آیا فقط کسانی را زد که برادران دیگری داشتند و یا اینکه تمام مردانی را که نخستین بار رحم را گشوده بودند؟»

### فراز «زن خویش»

عبارت «زن» به دوشیزه‌ای که نامزد کرده بود، بلافاصله پس از نامزدی، اطلاق می‌شد. در تفسیر این جمله فرشته به یوسف، که گفت: «ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است، از روح‌القدس است» (متی ۱: ۲۰) ، یوحنا زین دهان می‌گوید: «در اینجا، فرشته نامزد یوسف را «زن» خطاب می‌کند همچنانکه کتاب مقدس همیشه زوج نامزد شده را، قبل از ازدواجشان، «مرد و زن» خطاب می‌کند». وی همچنین می‌گوید: «منظور از عبارت "گرفتن زن خویش" چیست؟ به این معناست که "از او در خانه خود مراقبت کن چراکه او توسط خدا به تو سپرده شده است، نه توسط والدینش. زیرا به تو سپرده شده تا از وی مراقبت نمایی، نه برای اینکه ازدواج را به کمال رسانی، بلکه به این جهت که محافظ او باشی." به همین صورت نیز، مسیح خداوند مریم عذرا (همیشه باکره) را به شاگردش یوحنا سپرد» (تفسیر انجیل متی گفتار ۴ قسمت ۱۱).

جروم قدیس اظهار می‌دارد که عنوان «زن» همچنین به دوشیزه‌های نامزد شده اطلاق می‌شد. متون کتاب مقدسی که بر این ادعا دلالت دارند عبارتند از: «گر دختر باکره‌ای به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته، با او همبستر شود، پس هر دو ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده، ایشان را با سنگها سنگسار کنند تا بمیرند؛ اما دختر را چونکه در شهر بود و فریاد نکرد، و مرد را چونکه زن همسایه خود را دلیل ساخت» (تثنیه ۲۲: ۲۳، ۲۴) و «و کیست که دختری نامزد کرده، به نکاح در نیاورده است؟». (تثنیه ۲۰: ۷)

### ادامه فراز «زن خویش»

بنابراین کتاب مقدس دوشیزه نامزد شده را «زن» خطاب می‌کند تا بر زنانگی او دلالت کند نه بر ازدواج

در حقیقت، حوا اولین کسی بود که «زن» خوانده شد زیرا از انسان گرفته شد (پیدایش ۲: ۲۳) ، به همین خاطر «حوا» نامیده شد زیرا که مادر جمیع زندگان است. (پیدایش ۳: ۲۰)

پس واژه «زن» بر خلقت زنانه و واژه «حوا» بر مادر بودن او اشاره دارد.

نوشته‌های حضرت لوقای انجیل‌نویس این حقیقت را ثابت می‌کند که عبارت «زن» در مورد مریم عذرا (همیشه باکره)، بر نامزدی او اشاره دارد نه بر ازدواج؛ آنگاه که می‌نویسد: «و یوسف نیز از جلیل ... رفت تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود، ثبت گردد» (لوقا ۲: ۴، ۵). بنابراین فراز «زن خویش» یعنی «نامزد خویش».

پس مریم عذرا (همیشه باکره) «زن» خوانده شد اما نه به این خاطر که بکارت خود را از دست داد، حاشا. زیرا کتاب مقدس شهادت می‌دهد که یوسف هرگز او را نشناخت، بلکه مریم عذرا (همیشه باکره) «زن» خوانده می‌شد زیرا در فرهنگ یهودی چنین مرسوم بود که نامزد شده را زن بنامند. نه فقط او بلکه هر بانویی زن نامیده می‌شد. همچنانکه حوا نیز بلافاصله پس از آفریده شدن، زن نامیده شد، پیش از آنکه از بهشت اخراج شده و فرزندان بزاید.

#### ادامه فراز «زن خویش»

توجه کنید که فرشته پس از تولد مسیح، مریم عذرا (همیشه باکره) را زن ننماید، بلکه به یوسف گفت: «برخیز و طفل و مادرش را برداشته به مصر فرار کن» (متی ۲: ۱۳). و به هنگام بازگشت یوسف از مصر، فرشته به او گفت: «برخیز و طفل و مادرش را برداشته، به زمین اسرائیل روانه شو» (متی ۲: ۲۰). یوسف نیز همانگونه که به وی گفته شد عمل نمود: «برخاسته، طفل و مادر او را برداشته، بسوی مصر روانه شد» (متی ۲: ۱۴-۲۱). در اینجا کتاب مقدس فراز «زن خویش» را بکار نمی‌برد.

فراز «زن خویش» فقط قبل و پس از حاملگی مریم عذرا (همیشه باکره) بکار برده شد تا از او در برابر سنگسار شدن توسط یهودیان حفاظت شود چراکه پیش از ازدواج حامله شده بود. وحی الهی پس از تولد مسیح این اصطلاح را استفاده نکرده است، نه در سخنان فرشته به یوسف، نه در شرح عمل یوسف، نه به هنگام صحبت در مورد مجوسیان که کتاب مقدس در موردشان می‌گوید: «و به خانه درآمده، طفل را با مادرش مریم یافتند» (متی ۲: ۱۱)، و نه هنگام صحبت در مورد شبانان که می‌گوید: «مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند». (لوقا ۲: ۱۶)

#### جمله «قبل از آنکه با هم آیند، او را حامله یافتند»

لوقای انجیل‌نویس هدف خود را بر این قرار داده بود که ثابت کند مسیح از باکره‌ای زاده شد که هرگز مردی را نشناخت. به دو دلیل:

**الف)** این حقیقت که مسیح نه از راه طبیعی و توسط دو والد بلکه از باکره‌ای متولد شد، دلالت بر الوهیت او دارد و ثابت می‌کند که از روح القدس متولد شد، چنانکه فرشته اظهار داشت: «... زیرا که

آنچه در وی قرار گرفته است، از روح القدس است.» (متی ۱: ۲۰)

**ب)** تولد مسیح از باکره ما را متقاعد می سازد که گناه آدم را به ارث نبرده است. پس او می تواند ما را نجات دهد زیرا کسی که گناه نداشته باشد می تواند برای گناهکاران بمیرد.

پس توجه رسول بر این بود که مریم عذرا (همیشه باکره) هیچ مردی را پیش از تولد مسیح نشناخته است، تا ثابت کند که خداوند از باکره زاده شده است. و اما اینکه مریم عذرا (همیشه باکره) بعد از تولد مسیح نیز هیچ مردی را نشناخت، حقیقتی آشکار است.

### جمله «تا پسر نخستین خود را نزایید، او را نشناخت»

واژه «تا» فقط به بند هسته (بند نخست) مربوط است و بدین معنا نیست که بند وابسته پس از آن، متضاد بند هسته است. برای روشن شدن موضوع چند مثال می آوریم:

**الف)** کتاب مقدس می گوید که «میکال، دختر شائول را تا روز وفاتش اولاد نشد» (دوم سموئیل ۶: ۲۳). طبیعتاً بعد از مرگش، فرزندی به دنیا نیاورد.

**ب)** مسیح خداوند می گوید: «اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم» (متی ۲۸: ۲۰). یقیناً او بعد از انقضای عالم نیز با ما خواهد بود.

**ج)** خداوند به مسیح گفت: «به دست راست من بنشین تا دشمنان را پای انداز تو سازم» (مزامیر ۱۱۰: ۱). به یقین مسیح تا ابد به دست راست خدای پدر خواهد نشست.

آیات متعددی در این رابطه وجود دارد. پس واژه «تا» الزاماً به تضاد معنایی نسبت به بند هسته دلالت ندارد.

یوسف با مریم عذرا (همیشه باکره) همبستر نشد تا زمانی که نخست زاده متولد شود، و پس از آن نیز با او همبستر نشد. اگر او از لمس مریم عذرا (همیشه باکره) تا پیش از تولد مسیح امتناع کرد، چگونه می توانست پس از تولد، او را لمس کند؟ آن هم بعد از اینکه آن آیات معجزه آسا، فرشتگان و مجوسیان و تحقق نبوتها را دید و فهمید که مسیح از روح القدس زاده شده و او همان پسر حضرت اعلی، قدوس، عمانوئیل و منجی است.

یوسف متوجه شد که مسیح همان کسی است که نبوت اشعیاء نبی را به کمال رساند که گفته بود: «اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند» (اشعیاء ۷: ۱۴) و «زیرا

که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد. ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت از الآن تا ابدالابد ثابت و استوار نماید» (اشعیا ۹: ۶، ۷). به یقین هنگامیکه فرشته بر مریم عذرا (همیشه باکره) ظاهر شد، آیات اخیر را به او یادآوری کرد. (لوقا ۱: ۳۱-۳۳)

### فراز «برادران او»

در اصطلاحات عبری، واژه «برادر» به بستگان یا فامیل یا برادر خوانده نیز اطلاق می‌شود. نمونه‌های متعددی در کتاب مقدس وجود دارد. به چند مورد زیر توجه کنید:

#### (الف) یعقوب و برادرِ مادرش، لابان

کتاب مقدس در مورد دیدار یعقوب با راحیل چنین می‌گوید: «باری یعقوب به مجرد اینکه راحیل، دختر لابان، برادرِ مادرش، و احشام کوچک لابان، برادرِ مادرش را دید، جلو رفت و سنگ را از روی دهانه چاه غلتانید و احشام کوچک لابان، برادرِ مادر خود را نوشانید. سپس یعقوب راحیل را بوسید و صدای خود را بلند کرد و گریست. یعقوب به راحیل اطلاع داد که برادرِ پدرش است و اینکه پسر رفته می‌باشد؛ و وی دوید تا پدر خود را آگاه سازد» (پیدایش ۲۹: ۱۰-۱۲). پس یعقوب پدر راحیل را برادر خود خواند با اینکه پدر راحیل، برادرِ مادرش بود. فراز «برادرِ مادر» (در برخی ترجمه‌ها: خالو) بارها تکرار شده است. واژه «برادر» در اینجا به روابط خانوادگی نزدیک دلالت دارد.

لابان نیز یعقوب را چنین خطاب کرد: «آیا چون برادر من هستی، مرا باید مفت خدمت کنی؟ به من بگو که اجرت تو چه خواهد بود؟» (پیدایش ۲۹: ۱۵). پس لابان یعقوب را برادر خود خواند با اینکه او خواهر زاده‌اش بود.

#### (ب) ابراهیم و لوط

لوط، پسر هاران (پیدایش ۱۱: ۳۱)، برادرزاده ابراهیم بود، با اینحال کتاب مقدس می‌گوید: «چون ابرام از اسیری برادر خود آگاهی یافت، سیصد و هجده تن از خانه‌زادان کارآزموده خود را بیرون آورده، در عقب ایشان تا دان بتاخت» (پیدایش ۱۴: ۱۴). در اینجا ابراهیم لوط را برادر خود خطاب کرد با اینکه لوط برادرزاده‌اش بود.

به همین شکل، فراز «برادران یسوع» به بستگان نزدیک یسوع مسیح خداوند اشاره دارد.

## برادران خداوند چه کسانی بودند؟

وقتی خداوند به شهر خود رفت، مردم متحیر شده گفتند: «آیا این پسر نجار نمی‌باشد؟ و آیا مادرش مریم نامی نیست؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا؟ و همه خواهرانش نزد ما نمی‌باشند؟» (متی ۱۳: ۵۵، ۵۶؛ مرقس ۶: ۱-۳). پطرس رسول می‌گوید که با یعقوب، برادر خداوند، دیدار کرده است (غلاطیان ۱: ۱۹). این یعقوب، «کوچک» خوانده می‌شد (مرقس ۱۵: ۴۰) و اینگونه از یعقوب پسر زبدي متمایز می‌شد. وی همچنین پسر حلفی نیز خوانده می‌شد (متی ۱۰: ۳) و یکی از رسولان بود. (غلاطیان ۱: ۱۹)

متی رسول در انجیل خود می‌گوید که پای صلیب «زنان بسیاری که از جلیل در عقب یسوع آمده بودند تا او را خدمت کنند، از دور نظاره می‌کردند، که از آن جمله، مریم مجدلیه بود و مریم مادر یعقوب و یوشاء و مادر پسران زبدي». (متی ۲۷: ۵۵، ۵۶)

مریم مادر یعقوب و یوشاء که بود؟ آیا مریم عذرا (همیشه باکره) بود؟ آیا معقول است فرض کنیم که مریم عذرا (همیشه باکره) همه آن فرزندان را زاییده است؟

مادر یعقوب و یوشاء مریم بود، زن حلفی یا کلویا، که یوحنا رسول در مورد او می‌گوید: «و پای صلیب یسوع، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند» (یوحنا ۱۹: ۲۵). این آیه را با آیات ۵۵ و ۵۶ از باب ۲۷ انجیل متی مقایسه کنید.

مریم مادر یعقوب و یوشاء به همراه مریم مجدلیه پای صلیب مسیح بود (متی ۲۷: ۵۵، ۵۶). اینان همان زنانی‌اند که در زمان تدفین مسیح خداوند حاضر بودند و دیدند که مسیح کجا گذاشته شد، و همانهایی‌اند که چون سبب گذشته بود، حنوط آوردند تا او را تدهین نمایند (مرقس ۱۶: ۱). ایشان همان زنانی‌اند که یوحنا رسول در انجیل خود می‌گوید: «و پای صلیب یسوع، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند».

## ادامه برادران خداوند چه کسانی بودند؟

بنابراین برادران یسوع خداوند، پسرخاله‌های او، یعنی پسران مریم، خواهر مریم عذرا (همیشه باکره) و زن کلویا یا حلفی و مادر یعقوب، یوشا و سایر برادران، بودند.

در توضیح نامهای متفاوت کلویا و حلفی، باید گفت که ممکن است اختلاف در تلفظ باشد، و یا به قول جروم قدیس، در کتاب مقدس، دادن اسامی مختلف به یک شخص نامعمول نبود. پدر خوانده موسی، رعوثیل نام داشت (خروج ۲: ۱۸) و همچنین یترون نیز نامیده می‌شد (خروج ۴: ۱۸). جدعون

همچنین یربعل نامیده شد (داوران ۶: ۳۲) ، پطرس، شمعون و کیفا نیز خوانده می‌شد، و یهودای غیور، تدی نیز نام داشت. (متی ۱۰: ۳)  
واضح است که مریم مادر یعقوب و یوشاء، مریم عذرا (همیشه باکره) نیست، و کتاب مقدس هرگز او را با چنین نامی نخوانده است.

### ملاحظات:

- (۱) اگر مریم ، مادر مسیح، فرزندی داشت، معقول نبود که خداوند بر صلیب او را به شاگردش یوحنا بسپارد. بی شک، اگر فرزندی داشت، آنها از او مراقبت می کردند.
- (۲) توجه کنید که در سفر یوسف و مریم به مصر، اشاره‌ای به فرزندان دیگر، بجز «یسوع» ، نشده است (متی ۲: ۱۴، ۲۰، ۲۱). همچنین در سفر آنها به اورشلیم و در بازگشتشان، آنگاه که مسیح دوازده ساله بود، اشاره‌ای به فرزندان دیگر نشده است. (لوقا ۲: ۴۳)
- (۳) این کار درست نیست که برخی می گوید که «برادران یسوع»، فرزندان زن دیگر یوسف بودند، کسی که در آن زمان مرده بود، چراکه کتاب مقدس اشاره می کند که مریم مادر یعقوب و یوشاء در زمان مصلوب شدن و تدفین مسیح حاضر بود، چنانکه پیشتر اشاره کردیم. (مرقس ۱۵: ۴۷)
- (۴) متن کتاب مقدس به وضوح بکارت ابدی مریم عذرا (همیشه باکره) را اعلام می کند. حزقیال نبی، در نبوت خود دروازه بسته‌ای در شرق دید و گفت: «این دروازه بسته بماند و گشوده نشود و هیچ کس از آن داخل نشود زیرا که یهوه خدای اسرائیل از آن داخل شده، لهذا بسته بماند» (حزقیال ۴۴: ۲). این دروازه، رَحْم مریم عذرا (همیشه باکره) است، که از درون آن خداوند به جهان آمد، آن رحم بسته ماند و هرگز توسط کودک دیگری باز نشد.

خلاصه ای در خصوص مریم مقدس مادر خداوند و سوالات رایج :

مطابق سنت کلیسایی و تاریخ کلیسا ، مریم ۷ ساله وقتی به معبد وقف می شود در گروه باکره های معبد زیر نظر آنا نبیه تا ۱۴ سالگی می ماند و در آن موقع زمانیکه با یوسف نامزد بود توسط روح القدس، پسر خدا در رحم او قرار می گیرد. طبق باور کلیساهای رسولی مریم مقدس همیشه باکره می ماند .



(حزقیال ۲:۴۴) و ۱۲ سال بعد از قیام عیسی مسیح در سن حدود ۶۰ سالگی فوت می کند ولی جسم او بعد از مرگ توسط مسیح به آسمان برده می شود.

آیا مریم مادر خداوند است؟ بله . مطابق لوقا باب ۲ آیه ۴۳ او مادر خداوند است. از آنجا که مسیح خداوند است ، مریم مادر خداست. ولی این به آن معنا نیست که او ازلی می باشد و یا دارای ذات الهی است.

آیا مریم شفاعت کننده است؟ کلیسای رسولی معتقدند که مریم مقدس ، رسولان ، شهیدان ، استیفان شهید ، یحیی تعمید دهنده جایگاه ویژه ای دارند و می توانند برای ما شفاعت کنند. ما معتقدیم تنها شفیع برای گناهان عیسی مسیح است ولی در سایر موارد می توانیم شفاعت مقدسین را بطلبیم. ما معتقدیم همینطور که الان می توانیم برای همدیگر شفاعت کنیم ، قدیسینی که به اسمان رفته اند هم می توانند برای ما شفاعت کنند و با توجه به جایگاه و قداستشان شفاعت آنها تاثیرگذارتر است.

ما به هیچ وجه به پرستش مریم معتقد نیستیم او احترام می شود و نه پرستش. او به هیچ وجه جایگاهی مثل مسیح ندارد ولی مطمئنا جایگاهی بالاتر از همه ایمانداران و مقدسین دارد.

آیا مریم بدون گناه بود؟ مطابق کلام خدا همه انسانها گناهکارند . ولی از انجائیکه مریم مادر عیسی است و نباید گناه آدم به عیسی منتقل می شد بنابراین به هنگام نزول روح القدس بر او ، خدا او را از گناه اولیه پاک کرد.

آیا مریم مقدس بجز عیسی فرزند دیگری هم دارد؟ مطابق ایمان کلیسای کاتولیک و ارتودکس ، مریم بجز عیسی هیچ فرزندی ندارد و باکره همیشگی می باشد. برادران و خواهران اشاره شده عیسی

در انجیل را نباید در معنای لغوی آن فهمید چون در فرهنگ قرن اول ، اقوام نزدیک را خواهر و برادر خطاب می کردند. مطابق حزقیال ۴۴:۲ آن دروازه ای که خدا از آن عبور کرده بسته می ماند ( اشاره به رحم مریم). اگر عیسی برادر و خواهر تنی داشت اصلاً منطقی نبود که عیسی مراقبت از مادرش را به رسول محبوبش بسپارد.

وقتی بر روی صلیب عیسی مادرش را به یوحنا رسول سپرد ۲ معنا دارد: ۱- اگر مسیح برادر و خواهری داشت ، او مادرش را به رسول محبوبش نمی سپرد. بنابراین مریم همیشه باکره بوده است و بجز عیسی فرزند دیگری نداشته است. ۲- عیسی به یوحنا رسول گفت : "اینک مادر تو" و به مریم گفت: "اینک فرزند تو". یعنی مریم مادر رسولان و کلیسا و مادر همه ما ایمانداران می باشد.

القاب حضرت مریم در سنت مسیحی: القاب و عناوین فراوانی را در مورد حضرت مریم به کار برده - اند؛ القابی که در بسیاری از موارد، دارای مفاهیم خاص الهیاتی نیز می باشد. از جمله این القاب می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

حوای جدید، باکره ی مقدس، مادر خدا، ستاره دریا، شفیع، مادر فیض الهی، مادر بسیار پاکیزه، آئینه ی عدالت، قرارگاه حکمت، آوند روحانی ، رُز رازگونه ، صندوق عهد ، دروازه ی آسمان، ملجأ گناهکاران و ملکه ی فرشتگان.

یکی از دیگر القاب پر کاربرد در مورد حضرت مریم "بانوی مصیبت ها" است که اشاره به تحمل رنج مصلوب شدن مسیح دارد.

مادر خداوند بانوی گرامی برای همگی ما شفاعت کن دعاهای ما را به حضور پدر آسمانی برساند که مانند عطر خوشبو در حضور او باشند .